

تغییر حسابداری و چسبندگی حق الزحمه حسابداری بعد از رتبه‌بندی موسسه‌های حسابداری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۱

امید فرجی^۱

مصطفی ایزدپور^۲

مسعود عطایی^۳

احسان دولت زارعی^۴

چکیده:

حق‌الزحمه حسابداری متأثر از عوامل مختلفی است ولی تغییرات در آن به‌طور کامل با تغییر در عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابداری، تبیین نمی‌شود. در واقع، میزان افزایش در حق‌الزحمه حسابداری، هنگام انتظار افزایش در هزینه‌ها، بیشتر از میزان کاهش در حق‌الزحمه حسابداری، هنگام انتظار کاهش در هزینه‌هاست که از این پدیده با عنوان چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری یاد می‌شود. تغییر حسابداری می‌تواند یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر چسبندگی حق‌الزحمه‌های حسابداری باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی انواع مختلف تغییر حسابداری پس از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری بر چسبندگی حق‌الزحمه‌های حسابداری است. بدین منظور، ۶۹۱ مشاهده سال - شرکت (۱۱۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران) در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ گردآوری شده‌است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از الگوی رگرسیون به روش داده‌های پانل و نرم‌افزار استاتا استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که تغییر حسابداری بر چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری ندارد و اثر تغییر حسابداری از طبقه اول و سایر طبقات به حسابداریان طبقه اول و تغییر حسابداریان از طبقه اول به سایر طبقات بر چسبندگی حق‌الزحمه معنادار نیست؛ اما تغییر حسابداری از سایر طبقات به حسابداریان سایر طبقات، تأثیر معناداری بر چسبندگی حق‌الزحمه دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که چسبندگی روبه پایین، نسبت به چسبندگی روبه بالا کمتر است و با وجود افزایش در هزینه‌های حسابداری، حسابداریان اقدام قابل توجهی برای افزایش حق‌الزحمه‌های حسابداری ننموده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر منطبق با نظریه قدرت چانه‌زنی است. به این صورت که در بازارهای متمرکز، حسابداریان از قدرت چانه‌زنی

۱. عضو هیئت علمی گروه مدیریت مالی و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه

تهران، قم، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: omid_faraji@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران.

۴. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بیشتری برخوردارند در نتیجه حق الزحمه حسابداری را افزایش داده و چسبندگی رو به پایین در حق الزحمه وجود دارد. اما، در بازارهای رقابتی (مانند بازار ایران)، صاحب کاران از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردارند و چسبندگی رو به بالا در حق الزحمه حسابداری افزایش می‌یابد. **واژگان کلیدی:** چسبندگی حق الزحمه حسابداری، تغییر حسابداری، حق الزحمه حسابداری، رتبه‌بندی موسسه‌های حسابداری، قدرت چانه‌زنی.

۱- مقدمه

حق الزحمه حسابداری از موضوعات بااهمیت در حوزه حسابداری و بازار سرمایه و مورد توجه ذینفعان مختلف شرکت‌هاست. حق الزحمه حسابداری در برنامه‌ریزی و اجرای مناسب و باکیفیت کار حسابداری مالی از تأثیر بسزایی برخوردار است. کیفیت پایین حسابداری، موجب کاهش اعتماد استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی شده و به ناکامی از دستیابی به اهداف حسابداری و کاهش اعتبار فرآیند حسابداری در ابعاد کلان منجر می‌شود (رجبی، ۱۳۸۷). حسابداری، حق الزحمه حسابداری را با توجه به میزان رسیدگی‌ها و ریسک حسابداری تعیین می‌کند (حجازی، ۱۳۹۱) و میزان رسیدگی و ریسک حسابداری بر اساس استاندارد حسابداری شماره ۳۰۰ و ۳۱۵، حین انجام حسابداری مشخص می‌شود، لذا حسابداری قبل از برنامه‌ریزی جهت اجرای کار و تعیین حق الزحمه حسابداری، این موضوع را نمی‌تواند به‌طور دقیق مدنظر قرار دهد. بندهای قرارداد حسابداری اجازة انجام کارهای اضافی و دریافت هزینه اضافه‌کاری‌ها متناسب با کار انجام‌شده (مانند زمانی که عوامل مؤثر بر ریسک حسابداری افزایش یافته یا مشکل توأم فعالیت وجود داشته باشد) را به حسابداری می‌دهد؛ از این‌رو، قراردادهای حسابداری مختص به رویدادهای غیرمنتظره‌ای که منجر به کاهش حق الزحمه حسابداری می‌شود، نمی‌باشد (پالمروس، ۱۹۸۶) و توافق‌های قراردادی، معمولاً منجر به افزایش حق الزحمه حسابداری می‌شود؛ همچنین تغییرات حق الزحمه حسابداری مستقل به‌طور کامل با تغییر در عوامل مؤثر بر هزینه‌ی حسابداری مشخص نمی‌شود (صفرزاده و بیگ‌پناه، ۱۳۹۴). در مواردی که میزان رسیدگی‌ها و ریسک حسابداری به میزان چشمگیری کاهش می‌یابد، با توجه به انعقاد قرارداد قبل از شروع انجام کار، حق الزحمه حسابداری در سال مورد رسیدگی کاهش نمی‌یابد و این تغییرات با تأخیر و در سال مالی بعد شناسایی می‌شود (دی‌ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴)، که عاملی در جهت چسبندگی حق الزحمه حسابداری است.

مؤسسات حسابداری بزرگ در مقایسه با سایر مؤسسات حسابداری از کیفیت بالاتری برخوردارند، این مؤسسات؛ (۱) به دلیل مشتریان زیاد و متنوع، از قدرت چانه‌زنی نسبی بالایی برخوردارند و استقلال خود را به خاطر یک مشتری به خطر نمی‌اندازند؛ (۲) نسبت به حفظ

1. Palmrose, Z.-V.

2. De Villiers.

شهرت (برند) خود از حساسیت بالایی برخوردارند؛ ۳) کارکنان مؤسسات حسابداری بزرگ همواره تحت آموزش مستمر باکیفیت قرار می‌گیرند و به علت تنوع و تعدد کارهای حسابداری، می‌توان به‌صورت تخصصی از تیم‌های حسابداری این مؤسسات در یک صنعت خاص بهره برد (۴) منافع زیادی را در صورت ناتوانی در کشف و گزارش تحریفات و اشتباهات بااهمیت در صورت‌های مالی صاحب‌کاران خود، از دست خواهند داد (دی آنجلو^۱، ۱۹۸۱، b). حسابداری شرکت‌های بزرگ باید به‌وسیله مؤسسات حسابداری بزرگ صورت گیرد (امانی و دوانی، ۱۳۸۳) و با توجه به این موضوع که مؤسسات حسابداری بزرگ بین‌المللی (چهار مؤسسه بزرگ) در ایران فعالیت نمی‌کنند، در عمل امکان استفاده از این معیار (چهار مؤسسه بزرگ) در ایران همانند پژوهش‌های خارجی وجود ندارد.

پس از تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۱۳۸۰، رقابت شدیدی بین حساب‌رسان شکل گرفت و به دنبال آن انحصار سازمان حسابداری به‌عنوان حساب‌رسان دولتی شکسته شده و سهم از بازار آن به‌سرعت کاهش یافت. در ادامه، سازمان بورس و اوراق بهادار به‌منظور افزایش نظارت و شفافیت، دستور رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری معتمد و ناشران بورسی را در دستور کار قرارداد. این رتبه‌بندی فضای منحصربه‌فردی را در مقایسه با سایر کشورها برای پرداختن به موضوع تغییر حسابداری و چسبندگی حق الزحمه در حسابداری فراهم کرد.

تبصره دو دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری ایجاد می‌کند که مؤسسات حسابداری هر سال بر اساس معیارهای عادی و تخلفاتی ارزیابی شوند و در دسترس عموم قرار گیرد. بر اساس این تبصره، معیارهای عادی شامل: معیارهای ارزیابی شرکای حسابداری، معیارهای ارزیابی ساختار و سازمان‌دهی مؤسسه، معیارهای ارزیابی کارکنان مؤسسه حسابداری و معیارهای ارزیابی تنوع در ارائه خدمات حسابداری و موقعیت مؤسسه در بازار حسابداری می‌باشد. همچنین معیارهای تخلفاتی شامل: سوابق تخلفاتی مؤسسه حسابداری در ۵ سال اخیر و سوابق تخلفاتی شریک حساب‌رسان در ۵ سال اخیر می‌باشد. امتیاز نهایی هر مؤسسه حسابداری از حاصل جمع امتیازهای عادی و تخلفاتی حاصل می‌شود. شایان‌ذکر است که امتیازهای تخلفاتی در محاسبه امتیاز نهایی دارای نمره «منفی» است. تبصره ششم دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری معتمد بورس اوراق بهادار، مؤسسات معتمد را به چهار گروه «اول»، «دوم»، «سوم» و «چهارم» طبقه‌بندی نموده است. بر اساس دستورالعمل رتبه‌بندی مذکور صاحب‌کاران مشمول نیز مکلف شده‌اند تا بازرسی قانونی و حساب‌رسان مستقل خود را از میان مؤسسه‌های حسابداری معتمد که در همان طبقه یا طبقات بالاتر قرار دارند، انتخاب نمایند. بر اساس تبصره پنجم دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری معتمد بورس، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران نیز به چهار گروه «اول»، «دوم»، «سوم» و «چهارم» طبقه‌بندی شده‌اند و تبصره هفت دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری معتمد بورس بیان می‌کند که مؤسسات معتمد نمی‌توانند خدمات حسابداری شرکت‌هایی (پذیرفته‌شده در بورس تهران) را بپذیرند که رتبه آن

1. DeAngelo, L.

شرکت از رتبه موسسات حسابرسی بالاتر باشد.

بر اساس دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس، مؤسسات حسابرسی طبقه اول^۱ در مقایسه با مؤسسات حسابرسی سایر طبقات از کیفیت بالاتری برخوردارند. به بیانی دیگر، رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان معیاری برای ارزیابی مؤسسات حسابرسی و تمایز کیفیت مؤسسات حسابرسی مطرح شده است (محمدرضایی و مهربان پور ۱۳۹۴). محمدرضایی و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، دریافتند که حسابرسان طبقه اول به دلیل حسن شهرتی که از رتبه‌بندی کسب کرده‌اند نسبت به حسابرسان معتمد سایر طبقات از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردارند و در حسابرسی نخستین، به صاحب‌کاران خود تخفیف حق الزحمه اندکی می‌دهند، از این رو، حسابرسان معتمد طبقه اول نسبت به حسابرسان معتمد سایر طبقات، حق الزحمه بالاتری دریافت می‌نمایند. بنابراین انتظار می‌رود مؤسسه‌های حسابرسی طبقه اول، نسبت به حسابرسان سایر طبقات، چسبندگی حق الزحمه حسابرسی رو به پایین را تجربه کنند. در بازار رقابتی حسابرسی، حسابرسان به‌منظور حفظ کار حسابرسی، رفتار فرصت‌طلبانه خود را با تبعیت از قیمت‌های استاندارد تغییر می‌دهند. از سویی، چنانچه حسابرسان حق الزحمه حسابرسی را تعدیل نمایند، صاحب‌کاران ممکن است به‌منظور کاهش حق الزحمه حسابرسی تصمیم به تغییر حسابرسان داشته باشند؛ در نتیجه چسبندگی حق الزحمه حسابرسی در دوره‌های بعدی معکوس خواهد شد (دی‌ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴).

رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و تغییر حسابرسان بین طبقات مختلف (از طبقه اول به طبقه اول، از سایر طبقات به سایر طبقات، از طبقه اول به سایر طبقات و از سایر طبقات به طبقه اول)، رویداد نوینی است که با این شکل رتبه‌بندی حسابرسان و ناشران به چهار گروه تنها در ایران اتفاق افتاده است و در هیچ نقطه دیگری از جهان نمونه مشابه آن وجود ندارد (محمدرضایی و همکاران، ۲۰۱۸). این رتبه‌بندی بیانگر این است که مؤسسه‌های حسابرسی هم‌اندازه و یکسان نیستند؛ (امانی و دوانی، ۱۳۸۳). در فضای پژوهشی ایران به دلیل رقابت شدید بازار، حسابرسان قدرت چانه‌زنی پایینی دارند (محمدرضایی و همکاران^۲، ۲۰۱۶)، جایگاه واقعی حسابرسان متخصص صنعت به‌وضوح مشخص نیست و چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی که به‌عنوان حسابرسان با قدرت چانه‌زنی بالا شناخته شده‌اند در داخل کشور فعالیتی ندارند (مشایخی و مشایخ^۳، ۲۰۰۸). این عوامل (عوامل خاص فضای ایران) فضایی را فراهم می‌کند که می‌توان به چسبندگی حق الزحمه حسابرسی در هنگام تغییر حسابرسان پس از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی پی برد که پژوهش‌های قبلی (پژوهش‌های خارجی و داخلی پیش از سال ۱۳۹۲) به چنین محیط پژوهشی دسترسی نداشته‌اند.

پژوهش حاضر در فضای پژوهشی ایران به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا انواع مختلف تغییر حسابرسان پس از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی (از طبقه اول به طبقه اول، از سایر

1. MohammadRezaei, et al.

2. MohammadRezaei, et al.

3. Mashayekhi, and Mashayekh

طبقات به سایر طبقات، از طبقه اول به سایر طبقات و از سایر طبقات به طبقه اول) بر چسبندگی حق‌الزحمه‌های حسابداری تأثیرگذار است یا خیر؟ هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر تغییر حسابداری بر چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری پس از رتبه‌بندی مؤسسات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. حق‌الزحمه که از انعقاد قرارداد با صاحب‌کاران عاید می‌شود منافع اقتصادی حسابداری را تأمین می‌نماید؛ بنابراین، ضرورت شناخت از عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابداری و به‌دنبال آن چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری به این دلیل است که هم مؤسسه‌های حسابداری و هم صاحب‌کاران با استفاده از این اطلاعات می‌توانند به‌گونه‌ای مؤثر و مناسب اقدام به انعقاد قرارداد نمایند. مطالعات انجام شده در زمینه چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری و تغییرات کاهشی و افزایشی در حق‌الزحمه حسابداری بسیار محدود است. مطالعات پیشین به بررسی رفتار حق‌الزحمه در کوتاه‌مدت که انتظار تغییر وجود دارد پرداخته‌اند ولی به تغییرات حق‌الزحمه در زمان تغییر حسابداری بین طبقات مختلف و چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری توجهی نشده است و پژوهش حاضر نخستین پژوهشی است که به بررسی این مسئله پژوهشی می‌پردازد و از این حیث قادر است تا این شکاف پژوهشی در ادبیات پیشین را مرتفع کند. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور نشان‌دهنده آن است که پدیده تغییر حسابداری و حق‌الزحمه حسابداری مورد ارزیابی قرار گرفته است (به‌عنوان مثال محمدرضائی و محدصالح، ۲۰۱۷؛ دولت زارعی، ۱۳۹۸)، اما تا به حال اثر تغییر حسابداری بین طبقات مختلف مؤسسه‌های حسابداری بر چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری با استفاده از دیدگاه قدرت چانه‌زنی نسبی حسابداری و صاحب‌کار، مورد ارزیابی قرار نگرفته است و از این حیث پژوهش حاضر یک پژوهش پیش‌گام است. همچنین این پژوهش می‌تواند با بررسی نقش انواع مختلف تغییر حسابداری پس از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری (از طبقه اول به طبقه اول، از سایر طبقات به سایر طبقات، از طبقه اول به سایر طبقات و از سایر طبقات به طبقه اول) بر چسبندگی حق‌الزحمه‌های حسابداری نتایجی را آشکار نماید که پیش‌تر پنهان بوده است و از این حیث می‌تواند دانش‌افزایی‌هایی را برای ادبیات پژوهشی و تصمیم‌گیرندگان مالی به همراه داشته باشد. سایر بخش‌های این پژوهش شامل چهار بخش است. بخش بعدی به بررسی مفاهیم نظری پژوهش و بسط فرضیه‌ها پرداخته و به دنبال آن روش پژوهش، نتایج آزمون فرضیه‌ها و درنهایت بحث و نتیجه‌گیری مطرح خواهد شد.

۲- مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

۲-۱- نظریه نرخ‌شکنی

منظور از نرخ‌شکنی، آن است که یک محصول یا خدمت (مانند خدمات حسابداری) باقیمت پایین‌تر از آنچه واقعاً در نظر گرفته‌شده است ارائه می‌شود، سپس قیمت آن افزایش یافته تا به دنبال آن سود افزایش یابد. دی آنجلو (۱۹۸۱، a) بیان می‌کند که نرخ‌شکنی در سال نخست حسابداری رخ می‌دهد و بدین صورت است که حسابداری به امید جذب صاحب‌کار و دریافت تمام

شبه‌منافع^۱ آتی مرتبط با صاحب‌کار در سال‌های آتی حسابرسی، در سال نخست حسابرسی مبلغ حق‌الزحمه‌ای را پایین‌تر از بهای تمام شده به مشتری پیشنهاد می‌کند و انگیزه چنین کاری تغییر دادن حسابرسی فعلی و تصاحب شبه‌منافع آتی است چرا که حسابرسی‌ها در سال‌های حسابرسی آتی دارای مزیت رقابتی است و می‌تواند با افزایش در مبالغ حق‌الزحمه، زیان مبلغ تخفیف داده شده را جبران نماید.

مدل چان^۲ (۱۹۹۹) بیانگر این است که رقابت بین شرکت‌های حسابرسی منجر به کاهش حق‌الزحمه در حسابرسی نخستین می‌شود؛ بنابراین، زمانی که رقابت بین حسابرسان شدید باشد کاهش حق‌الزحمه حسابرسی اتفاق می‌افتد. همچنین مؤسسات حسابرسی بزرگ از رقابت کمتری برخوردارند و نرخ‌شکنی در مورد آن‌ها کمتر است (گاش و لاستگارت^۳، ۲۰۰۶؛ هوآ و همکاران^۴، ۲۰۱۶). تخصص در صنعت می‌تواند بر نرخ‌شکنی حق‌الزحمه‌های حسابرسی تأثیر بسزایی داشته باشد. حسابرسان متخصص صنعت قادرند خدمات حسابرسی باکیفیت بالایی را با دانش خاص صنعت و با تکنولوژی پیشرفته ارائه دهند و از سوی دیگر، حسابرسان متخصص صنعت در انجام حسابرسی در صنعت خاص خود کارآمدتر هستند و از مزایای اقتصادی برخوردارند؛ بنابراین، ممکن است آن‌ها برای تخفیف حق‌الزحمه حسابرسی تمایل کمتری داشته باشند، زیرا مشتریانی که به چنین حسابرسی باکیفیت بالایی نیاز دارند، انتخاب‌های دیگری ندارند که این مطابق با نتایج پژوهش محمدرضائی و همکاران (۲۰۱۸) است. علاوه بر این، سیمون و فرانسیس^۵ (۱۹۸۸) و ایتریج و گرینبرگ^۶ (۱۹۹۰) شواهدی را نشان می‌دهند که حسابرسان در حسابرسی نخستین، حق‌الزحمه حسابرسی به‌طور غیرمعمول کم را پیشنهاد می‌کنند؛ بنابراین، حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی (حق‌الزحمه‌هایی که بیشتر و کمتر از نرخ میانگین است) باعث چسبندگی حق‌الزحمه‌های حسابرسی می‌شود (کاشولی و همکاران^۷، ۲۰۱۰).

۲-۲- نظریه قدرت چانه‌زنی

دی آنجلو (۱۹۸۱، a) معتقد بود که کلیه شبه‌منافع آتی ناشی از حسابرسی سال‌های آتی مشتری متعلق به حسابرسی است ولی دای (۱۹۹۱) با یاری جستن از نظریه قدرت چانه‌زنی ادعا کرد که تصاحب شبه‌منافع در سال‌های آتی به پویایی قدرت چانه‌زنی بین حسابرسی و صاحب‌کار بستگی دارد. چانه‌زنی، وضعیتی است که دو طرف مبادله، انگیزه مشترکی برای همکاری دارند ولی در مورد اینکه چگونه این همکاری شکل بگیرد دارای تمایلات متضادی هستند. طرفین معامله از توافق روی یکی از نتایج معامله، نسبت به عدم توافق سود می‌برند ولی میان انگیزه‌های

1. Quasi-Rents
2. Chan
3. Ghosh, and Lušgarten
4. Hua
5. Simon, and. Francis
6. Ettredge, and Greenberg
7. Causholli

آن‌ها روی مجموعه خروجی‌های امکان‌پذیر این معامله، تضاد وجود دارد. بر اساس نظریه دی آنجلو (۱۹۸۱، a) حسابداری فعلی نسبت به صاحب‌کار از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردار است؛ اما به اعتقاد دای (۱۹۹۱) قدرت چانه‌زنی صاحب‌کار بیشتر از حسابداری است؛ بنابراین، صاحب‌کار می‌تواند حق‌الزحمه حسابداری را نزدیک به هزینه‌های حسابداری فعلی نگه دارد؛ بر این اساس، قدرت چانه‌زنی بین حسابداری و صاحب‌کار به کسب حق‌الزحمه بیشتر در حسابداری‌های آینده (در مقایسه با حسابداری نخستین) منجر می‌شود و مزیت رقابتی بر آن بی‌تأثیر است. بر اساس نظریه قدرت چانه‌زنی در حسابداری نخستین، انتظار می‌رود که هزینه‌های اولیه حسابداری در حسابداری نخستین (مانند شناخت کنترل‌های داخلی صاحب‌کار، شناخت محیط صاحب‌کار و ریسک‌های آن و ...) بیشتر باشد و به دنبال آن مبلغ حق‌الزحمه حسابداری نخستین نسبت به سال‌های آتی بیشتر باشد؛ زیرا حسابداری می‌تواند با صرفه‌جویی در زمان صرف شده در حسابداری نخستین جهت شناخت اولیه مبلغ حق‌الزحمه خود را کاهش دهد. (دای، ۱۹۹۱؛ ترنر^۱، ۲۰۰۲؛ فلانگین^۲، ۲۰۰۲). در واقع شبه‌منافع به مانند یک کیک است که هر یک از طرفین که قدرت چانه‌زنی بیشتری داشته باشد سهم بزرگتری از کیک را نصیب خود می‌کند (گاش و لاستگارتن، ۲۰۰۶).

۲-۳- توسعه فرضیه‌ها

زمانی که امکان مشاهده کیفیت وجود نداشته باشد؛ قیمت، به‌عنوان معیاری برای کیفیت در نظر گرفته می‌شود (شاپیرو^۳، ۱۹۸۳)؛ بنابراین، حق‌الزحمه حسابداری معیاری از کیفیت حسابداری است؛ با این وجود، مؤسسه‌های بزرگ حسابداری از کیفیت حسابداری بالاتری برخوردارند و در نتیجه حق‌الزحمه بیشتری را درخواست می‌نمایند. در این پژوهش، به نوسانات و رفتار حق‌الزحمه حسابداری از دیدگاه ادبیات اقتصادی چسبندگی قیمت (حق‌الزحمه حسابداری) توجه می‌شود. طبق ادبیات مزبور، حق‌الزحمه حسابداری مستقل، از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد؛ اما تغییرات آن به‌طور کامل با تغییر در عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابداری، تبیین نمی‌شود. به بیان ساده‌تر، میزان افزایش در حق‌الزحمه حسابداری، هنگام انتظار افزایش در هزینه‌ها، بیشتر از میزان کاهش در حق‌الزحمه حسابداری، هنگام انتظار کاهش در هزینه‌هاست که از این موضوع به‌عنوان چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری یاد می‌شود (دی‌ویلس و همکاران، ۲۰۱۴). رقابت بازار، بر چسبندگی حق‌الزحمه حسابداری تأثیرگذار می‌باشد. بر اساس نظریه قدرت چانه‌زنی، حسابداری در بازارهای متمرکز، از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردارند (دی آنجلو، ۱۹۸۱، b) پس حق‌الزحمه حسابداری را افزایش داده و چسبندگی رو به پایین در حق‌الزحمه وجود دارد (چانگ و همکاران^۴، ۲۰۱۹)، اما در بازارهای رقابتی، صاحب‌کاران از قدرت چانه‌زنی بالایی

1. Turner
2. Flanigan
3. Shapiro.
4. Chang et al.

برخورد دارند (دای، ۱۹۹۱) و چسبندگی رو به بالا در حق الزحمه حسابرسان افزایش می‌یابد (آستانا و بون^۱، ۲۰۱۲).

بر اساس پژوهش چانگ و همکاران (۲۰۱۹)، زمانی چسبندگی رو به پایین رخ می‌دهد که هزینه‌های حسابرسان کاهش یافته اما حسابرسان تمایلی به کاهش حق الزحمه‌های حسابرسان نداشته باشند و چسبندگی رو به بالا زمانی رخ می‌دهد که هزینه‌های حسابرسان افزایش یابد اما حسابرسان تمایلی به افزایش حق الزحمه‌های حسابرسان نداشته باشند. حق الزحمه غیرعادی حسابرسان (بیشتر یا کمتر از نرخ میانگین) باعث چسبندگی حق الزحمه حسابرسان می‌شود (کاشولی و همکاران^۲، ۲۰۱۰؛ کولتون و همکاران^۳، ۲۰۱۶). به اعتقاد کولتون و همکاران (۲۰۱۶) «جهش» در حق الزحمه غیرعادی حسابرسان، تلاش‌های گسترده‌تری را در واکنش به مسائل حسابرسان که منجر به افزایش ریسک می‌شود بکار می‌گیرد. همچنین در بازارهای رقابتی، ناسازگاری‌های بازار منجر به این می‌شود تا قیمت‌ها به سرعت تغییر نکنند و چسبندگی ایجاد شود (دی‌فاند و ژانگ^۴، ۲۰۱۴). از آنجایی که حق الزحمه‌های حسابرسان دارای چسبندگی است (فرگوسن و همکاران^۵، ۲۰۰۵) و تغییرات مثبت در حق الزحمه، بیشتر از تغییرات منفی است (پورمحمدی و گل محمدی شورکی، ۱۳۹۴)؛ پس چسبندگی حق الزحمه حسابرسان از یک‌روند مشخص تبعیت نمی‌کند (رشیدی باغی، ۱۳۹۳)؛ همچنین حق الزحمه‌های حسابرسان متناسب با پیش‌بینی مدل استاندارد حق الزحمه تغییر نمی‌کنند و در یک دوره کوتاه‌مدت (یک‌ساله) تغییرات افزایشی بیشتر از تغییرات کاهش‌ی است (جامعی و خانقلی، ۱۳۹۷).

رقابتی بودن بازار خدمات حسابرسان سبب کاهش در این تفاوت‌ها است؛ چراکه، بخشی عمده‌ای از این تعدیلات ناشی از شناخت حق الزحمه درخواستی مؤسسه‌های حسابرسان رقیب است (دی‌ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴؛ اندرسون و همکاران^۶، ۲۰۰۳). زمانی که حسابرسان هزینه انجام کار را بیش از اندازه برآورد کنند، حق الزحمه‌های حسابرسان در طی دوره جاری افزایش یافته، اما در دوره‌های بعدی اصلاح می‌شود؛ بنابراین در دوره‌های آتی معکوس شدن چسبندگی حق الزحمه حسابرسان مشاهده می‌شود (دی‌ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴). قیمت‌گذاری و رقابت بازار برای خدمات حسابرسان، موضوع بااهمیتی برای قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران و پژوهشگران به شمار می‌آید.

با توجه به این که به دنبال رقابت شدید در بازار حسابرسان، اکثر مؤسسه‌های حسابرسان خصوصی در ایران با کمبود مشتری در بازار حسابرسان مواجه هستند (بزرگ اصل، ۱۳۸۸)؛ در یک بازار رقابتی حسابرسان، کاهش نسبی قدرت چانه‌زنی حسابرسان ناشی از نگرانی حسابرسان

1. Asthana, and Boone
2. Causholli
3. Coulton
4. DeFond, and Zhang
5. Ferguson
6. Anderson,, et al.

در مورد احتمال از دست دادن مشتریان خود است. با افزایش رقابت در بازار حساسیت، مشتریان نیز برای انتخاب حساسیت گزینه‌های بیشتری خواهند داشت. (دی‌ویلس و همکاران، ۲۰۱۴). مدل استاندارد حق الزحمه حساسیت بیان می‌کند که مدل استاندارد در حالت سالانه در مقایسه با حالت بلندمدت از قدرت توضیح دهنده کمی کمتری برخوردار است؛ بنابراین حق الزحمه‌های حساسیت متناسب با پیش‌بینی مدل استاندارد تغییر نمی‌کنند (گاش و لاستگارتن^۱، ۲۰۰۶). بر این اساس فرضیه نخست پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه نخست: تغییر حساسیت بر چسبندگی حق الزحمه‌های حساسیت، تاثیر دارد. پژوهش چانگ و همکاران (۲۰۱۹) به رابطه بین رقابت بازار و چسبندگی حق الزحمه حساسیت اشاره دارد، آنان دریافتند که در بازارهای متمرکز، حساسیت از قدرت بازار بیشتری برخوردارند، حق الزحمه حساسیت را افزایش می‌دهند و حق الزحمه حساسیت چسبندگی رو به پایین دارد. همچنین بر اساس گزارش اکسرا^۲ (۲۰۰۶)، افزایش حق الزحمه‌های حساسیت در انگلستان به دنبال تمرکز بازار حساسیت ایجاد شده است. اما در ایران، رتبه‌بندی مؤسسات حساسیت توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان معیاری برای ارزیابی مؤسسات حساسیت و تمایز کیفیت مؤسسات حساسیت مطرح شده است (محمدرضایی و مهربان پور^۳ ۱۳۹۴). بر اساس دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حساسیت معتمد سازمان بورس، مؤسسات حساسیت طبقه "اول" در مقایسه با مؤسسات حساسیت سایر طبقات از کیفیت بالاتری برخوردارند. بر اساس نظریه قدرت چانه‌زنی نسبی حساسیت در مقابل صاحب‌کاران و مطابق با پژوهش‌های پیشین (به‌عنوان مثال، هوا و همکاران^۴، ۲۰۱۶؛ محمدرضایی و محد صالح^۴، ۲۰۱۷)، پیش‌بینی می‌شود که حساسیت طبقه اول، قدرت چانه‌زنی نسبی بالاتری در مقایسه با حساسیت معتمد بورس سایر طبقات داشته باشند. این قدرت چانه‌زنی بالای حساسیت معتمد طبقه اول می‌تواند ناشی از طبقه‌بندی شدن آنان به‌عنوان حساسیت طبقه اول، کسب شهرت این مؤسسات به‌عنوان مؤسسات حساسیت باکیفیت بالا، تعدد و تنوع مشتریان این مؤسسه‌ها و امکان حساسیت تمامی شرکت‌های بورس و غیره باشد. پژوهش محمدرضایی و همکاران (۲۰۱۸)، بیان می‌کند که حساسیت طبقه اول معتمد سازمان بورس نسبت به حساسیت معتمد سایر طبقات، حق الزحمه مازادی دریافت می‌کنند؛ بنابراین، انتظار می‌رود که در حساسیت نخستین، حساسیت طبقه اول به صاحب‌کاران خود تخفیف حق الزحمه اندکی بدهند؛ همچنین، اگر این تغییر از حساسیت سایر طبقات به حساسیت طبقه اول باشد، به‌احتمال ناچیزی صاحب‌کاران از تخفیف حق الزحمه حساسیت سال اول بهره‌مند شوند؛ چراکه قدرت چانه‌زنی حساسیت طبقه اول بالاتر از حساسیت سایر طبقات است. در همین راستا، رشیدی (۱۴۰۰) نشان داد که بین چسبندگی رو به پایین حق الزحمه

1. Ghosh, and Lustgarten

2. Oxera

3. Hua

4. MohammadRezaei and Mohd-Saleh

حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس پژوهش‌های یادشده می‌توان انتظار داشت که مؤسسات طبقه اول به دلیل برخورداری از کیفیت حسابرسی بیشتر نسبت به مؤسسات سایر طبقات از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردارند و تمایلی به تخفیف حق الزحمه ندارند و حق الزحمه با چسبندگی رو به پایین همراه است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر مطرح شده است:

فرضیه دوم: تغییر حسابرسان از طبقه اول و سایر طبقات به حسابرسان طبقه اول منجر به چسبندگی رو به پایین حق الزحمه حسابرسی می‌شود.

زمانی که برای صاحب‌کار هزینه‌های حسابرسی افزایش یابد، این صاحب‌کار ممکن است به حسابرسی مراجعه نماید که تخفیف در حق الزحمه‌های حسابرسی سال اول را ارائه می‌دهد تا بتواند حق الزحمه‌های حسابرسی را کاهش دهد (هوانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۴). شرکت صاحب‌کار، زمانی که هزینه‌های تغییر حسابرس جدید، کمتر از حق الزحمه حسابرس کنونی باشد، حسابرس را تغییر می‌دهد (چینی و همکاران^۲، ۲۰۰۳)؛ بنابراین، در حسابرسی نخستین، حسابرس جانشین حداقل حق الزحمه حسابرسی را پیشنهاد می‌کند تا موجب تغییر حسابرس قبلی شود. پیل^۳ (۲۰۱۳) دریافت در بازاری که رقابت بالایی بین مؤسسه‌های خصوصی حسابرسی شکل گرفته است، حق الزحمه‌های حسابرسی از تخفیف شدیدتری برخوردار هستند. در یک بازار کاملاً رقابتی، مشتریان معمولاً قدرت چانه‌زنی قوی‌تری دارند و از این رو حسابرسان تمایل دارند تخفیفاتی در حق الزحمه حسابرسی ارائه دهند و منجر به افزایش چسبندگی رو به بالا در حق الزحمه می‌شوند (آستانا و بون، ۲۰۱۲). اورادی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که کاهش حق الزحمه حسابرسی در پی رقابت در بازار حسابرسی به وجود می‌آید؛ همچنین، در یک بازار رقابتی، حسابرسان ممکن است با تعیین حق الزحمه کمتر نسبت به سایر مؤسسه‌ها، در پی افزایش سهم خود از بازار باشند (نیوتون و همکاران^۴، ۲۰۱۶). از آنجایی که رقابت شدیدتری در ساختار بازار حسابرسی برای حسابرسان بخش خصوصی وجود دارد (باقرپور و همکاران^۵، ۲۰۱۴)، تحت فشار ناشی از رقابت، مؤسسات حسابرسی کوچک که سهم کمتری از بازار حسابرسی در اختیار دارند، حق الزحمه کمتری از صاحب‌کاران دریافت می‌کنند (مای هو و ویلکینز^۶، ۲۰۰۳)؛ بنابراین ممکن است مؤسسات حسابرسی با ارائه تخفیف‌های بیشتری در حق الزحمه یا به‌نوعی نرخ‌شکنی، صاحب‌کاران بیشتری را جذب کنند. بر اساس پژوهش جاستون و همکاران^۷ (۲۰۰۴)، در وضعیت رقابتی به دلیل افزایش تلاش برنامه‌ریزی‌شده، انتظار می‌رود که حق الزحمه‌های حسابرسی نخستین کمتر

1. Huang

2. Chaney

3. Peel

4. Newton

5. Bagherpour

6. Mayhew, and Wilkins

7. Johnstone

از حق الزحمه‌های حسابداری سال‌های آتی باشد. در هنگام تغییر حسابرس از یک حسابرس طبقه اول به یک حسابرس متعلق به سایر طبقات، به دلیل کاهش سطح طبقه حسابرس، قدرت چانه‌زنی صاحب‌کاران به شدت افزایش یافته و تخفیف حق الزحمه بالاتری کسب کنند. بعلاوه، در بازارهای رقابتی، رقابت بازار در خدمات حسابداری باعث چسبندگی رو به بالا در حق الزحمه حسابداری می‌شود (رشیدی، ۱۴۰۰). بنابراین فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه سوم: تغییر حسابرسان از طبقه اول و همچنین از سایر طبقات به حسابرسان سایر طبقات، منجر به چسبندگی رو به بالای حق الزحمه حسابداری می‌شود.

۳- روش‌شناسی

۳-۱- داده‌ها

جامعه آماری تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش حاضر سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ را پوشش می‌دهد. علت انتخاب این بازه زمانی اجرایی شدن دستور رتبه‌بندی مؤسسات حسابداری معتمد بورس و ناشران بورسی است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود؛ زیرا پژوهش کاربردی تلاشی در جهت پاسخ به یک مسئله در دنیای واقعی انجام می‌شود. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات به منظور تدوین مبانی نظری، بررسی ادبیات موضوعی و همچنین تحقیقات انجام‌شده از روش آرشیوی (اسنادکاوی و کتابخانه‌ای) استفاده شده است و داده‌های موردنیاز جهت پردازش فرضیه‌های مطرح‌شده در پژوهش، اطلاعات به صورت دستی از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ((codal.ir استخراج شده است. تعداد ۶۹۱ مشاهده سال - شرکت (۱۱۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران) برای این پژوهش به عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته است و در نگاره (۱) نحوه غربالگری جامعه آماری پژوهش تشریح شده است. برای دسته‌بندی و محاسبه متغیرهای مربوط به مدل‌های پژوهش از نرم‌افزار اکسل استفاده شده و به منظور آزمون فرضیه و تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش از الگوی رگرسیون با استفاده از داده‌های پانل و نرم‌افزار استاتا استفاده شده است. لذا پژوهش حاضر از لحاظ روش تحلیل داده، از نوع روش‌های آماری به شمار می‌رود. با ایجاد متغیر ساختگی (FyEnd) برای پایان سال مالی، شرکت‌هایی که صورت‌مالی آن‌ها ۲۹ اسفندماه نمی‌باشد را از نمونه پژوهش حذف نمی‌کنیم؛ این متغیر بیان می‌کند که اگر پایان سال مالی صاحب‌کار ۲۹ اسفندماه باشد ۱ و در غیر این صورت صفر است (محمدرضایی و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین شرکت‌هایی را که به طور داوطلبانه دست به افشای حق الزحمه زده‌اند و یا حسابرس آن‌ها یک حسابرس دولتی بوده (سازمان حسابداری و مفید راهبر) را حذف کردیم. نهایتاً، شرکت‌های فعال در صنعت مالی نیز به دلیل متفاوت بودن فعالیتشان در مقایسه با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی از نمونه پژوهش حذف شده‌اند.

نگاره ۱. فرایند انتخاب شرکت‌های نمونه

ردیف	شرح	تعداد شرکت	تعداد مشاهدات
۱	تعداد شرکت‌های بورسی تا پایان سال ۹۸	۳۵۶	۲۴۱۹
۲	کسر می‌شود: شرکت‌های گروه مالی، بیمه، هلدینگ و لیزینگ	(۴۳)	(۱۵۸)
۳	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که به‌طور جداگانه، حق الزحمه حسابداری را در یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی ارائه و افشا نکرده‌اند.	(۱۰۶)	(۱۲۵۳)
۴	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که حسابرس آن سازمان حسابداری یا مفید راهبر است	(۹۳)	(۳۱۷)
	تعداد شرکت‌های بورسی در نمونه نهایی	۱۱۴	۶۹۱

۳-۲- مدل‌های رگرسیونی پژوهش

به‌منظور برآورد حق الزحمه موردانتظار هر شرکت، از مدل حق الزحمه استاندارد استفاده شده است. به‌کارگیری این مدل، امکان برآورد دقیق حق الزحمه حسابداری را نسبت به مدل چسبندگی حق الزحمه فراهم می‌کند. به‌منظور به‌دست آوردن حق الزحمه‌های حسابداری مورد انتظار در فضای پژوهشی ایران، از مدل‌های رگرسیونی بومی‌سازی شده مانند مدل زیر استفاده شده است (صدرايي و همکاران، ۱۴۰۰).

مدل (۱):

$$\text{Log feeit} = \beta_0 + \beta_1 \text{FirstRankAud it} + \beta_2 \text{AudOpn it} + \beta_3 \text{AudChg it} + \beta_4 \text{Size it} + \beta_5 \text{Lev it} + \beta_6 \text{InvRec it} + \beta_7 \text{Loss it} + \beta_8 \text{Aturn it} + \beta_9 \text{Subs it} + \beta_{10} \text{Issue it} + \beta_{11} \text{FyEnd it} + \beta_{12} \text{Age it} + \beta_{13} \text{ConOwn it} + \beta_{14} \text{StOwn it} + \text{eit}$$

باقی‌مانده مدل ۱ را می‌توان معیاری از حق الزحمه‌های مورد انتظار (EAF) تلقی کرد. برای کاهش خطا در اندازه‌گیری حق الزحمه‌های مورد انتظار، مدل رگرسیونی شماره (۱) به‌صورت مقطعی - صنعت اجرا شده است. از این‌رو برای اجرای مدل، حداقل باید نزدیک به ۲۰ مشاهده در هر صنعت و در هر سال موجود باشد تا بتوان مدل ۱ را برآورد نمود. در مدل مذکور:

حق الزحمه‌های حسابداری (LogFee)، معادل با لگاریتم طبیعی حق الزحمه‌های حسابداری (رشیدی، ۱۴۰۰؛ غنی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). حسابرس طبقه اول (FirstRankAud) متغیر ساختگی که اگر حسابرس جز ۲۵ مؤسسه حسابداری خصوصی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار متعلق به طبقه اول باشد مساوی ۱ و برای مؤسسات حسابداری خصوصی معتمد سایر طبقات مساوی صفر (محمدرضایی و همکاران، ۲۰۱۸). نوع گزارش حسابرس (AudOpn)

متغیر ساختگی که اگر گزارش حسابرس غیرمقبول باشد مساوی ۱ و اگر گزارش حسابرس مقبول باشد، صفر است (زارعی و همکاران^۱، ۲۰۲۰). تغییر حسابرس (AudChg) متغیر ساختگی مساوی یک، اگر حسابرس تغییر کرده باشد و در غیر این صورت صفر می‌باشد (استنلی^۲، ۲۰۱۱؛ کوان و همکاران^۳، ۲۰۱۴؛ رحیمیان و جان فدا، ۱۳۹۳). اندازه صاحب‌کار (Size) معادل لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های یک شرکت (هاشمی دهچی و همکاران، ۱۴۰۰؛ فرجی و همکاران، ۱۳۹۹). اهرم مالی (Lev) نسبت کل بدهی‌ها به جمع ارزش دفتری دارایی‌ها (کیتیونگ و ساراپایوانیچ^۴، ۲۰۲۰). مطالبات و موجودی‌ها (InvRec) نسبت جمع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتنی به جمع کل دارایی‌ها (چانگ و همکاران^۵، ۲۰۲۱). زیان (Loss) متغیر ساختگی که اگر شرکت صاحب‌کار زیان‌ده باشد مساوی ۱ و در غیر این صورت صفر است (غنی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). گردش دارایی‌ها (Aturn) نسبت درآمد به جمع کل دارایی‌ها (محمدرضائی و همکاران، ۲۰۱۸). شرکت فرعی (Subs) متغیر ساختگی است که اگر صاحب‌کار دارای شرکت یا شرکت‌های فرعی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر (محمدرضائی و همکاران، ۲۰۱۸). افزایش سرمایه (Issue) متغیر ساختگی که اگر شرکت افزایش سرمایه داده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱). پایان سال مالی (FyEnd) اگر پایان سال مالی صاحب‌کار ۲۹ اسفندماه باشد ۱ و در غیر این صورت صفر است (محمدرضائی و همکاران، ۲۰۱۸). سن شرکت (LogAge) لگاریتم طبیعی سن شرکت (غنی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). تمرکز مالکیت (ConOwn) درصدی از سهام شرکت که متعلق به بزرگ‌ترین سهامدار شرکت است (محمدرضائی و همکاران، ۲۰۱۸). دولتی بودن صاحب‌کار (StOwen) یک متغیر ساختگی است که اگر بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت متعلق به دولت یا شرکت‌های نیمه‌دولتی باشد ۱ و در غیر این صورت صفر است (محمدرضائی و همکاران، ۲۰۱۸).

برای بررسی فرضیات پژوهش مدل چسبندگی حق الزحمه حسابرس طبق پژوهش دی‌ویلرس و همکاران (۲۰۱۴) با ورود متغیر تغییر حسابرس بسط یافته است. برای آزمون فرضیه‌ی اول از مدل (۲) استفاده شده است:

مدل (۲):

$$\Delta Afit = \beta_0 + \beta_1 \Delta Eafit + \beta_2 D \times \Delta Eafit + \beta_3 Switchit + \beta_4 Switch \times \Delta Eafit + \beta_5 Switch \times D \times \Delta Eafit + \beta_6 FirstRankAudit + \beta_7 AuditOpn it + \beta_8 Loss it + \beta_9 Subs it + \beta_{10} Issue it + \beta_{11} FyEnd it + \beta_{12} Size it + \beta_{13} Lev it + \beta_{14} InvRec it + \beta_{15} Aturn it + \beta_{16} Age it + \beta_{17} ConOwn it + \beta_{18} StOwn it + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k Year Dum + \epsilon it$$

1. Zarei, et al.
2. Stanley
3. Kwon, et al.
4. Kitiwong, and Sarapaivanich
5. Chang, et al.

در مدل فوق، مطابق با محمدرضائی و محدصالح، (۲۰۱۷) ΔAF معرف تغییر در حق الزحمه حساسیتی تعدیل شده با تورم می‌باشد. به دلیل اینکه میزان نرخ تورم در ایران به‌طور قابل توجهی بالا است حق الزحمه‌های حساسیتی شرکت i در سال t به نرخ تورم در سال $t-1$ تقسیم شده است (Audfeet/1+inflation ratet-1). حق الزحمه مورد انتظار (EAF) با استفاده از مدل شماره یک به دست آمده است. D یک متغیر مصنوعی است که در صورتی که حاصل ΔEaf یعنی $\text{Log}(EAFt) - \text{EAF}t$ مثبت باشد در زمان افزایش حق الزحمه حساسیتی مورد انتظار برابر صفر است و در زمانی که حق الزحمه حساسیتی مورد انتظار کاهش می‌یابد، D برابر یک است (دی‌ویلس و همکاران، ۲۰۱۴؛ چانگ و همکاران، ۲۰۱۹). چون ارزش متغیر D در زمان افزایش حق الزحمه حساسیتی صفر است، بنابراین β_1 درصد تغییرات در حق الزحمه واقعی به ازای یک درصد افزایش در حق الزحمه حساسیتی مورد انتظار می‌باشد؛ از آنجایی که متغیر D در هنگام کاهش حق الزحمه حساسیتی برابر یک است، $\beta_1 + \beta_2$ درصد تغییرات در حق الزحمه واقعی به ازای یک درصد کاهش در حق الزحمه حساسیتی مورد انتظار می‌باشد (دی‌ویلس و همکاران، ۲۰۱۴؛ چانگ و همکاران، ۲۰۱۹). هرچه بالاتر باشد، نشان می‌دهد که حق الزحمه حساسیتی دارای چسبندگی رو به بالا (رو به پایین) کمتری (بیشتری) است. اگر حق الزحمه حساسیتی دارای چسبندگی رو به پایین بیشتری (کمتری) نسبت به چسبندگی رو به بالا باشند، ضریب β_2 منفی (مثبت) است (چانگ و همکاران، ۲۰۱۹). پس از مشخص شدن اعداد فوق، β_1 نشان دهنده چسبندگی رو به بالا و $\beta_2 + \beta_1$ نشان دهنده چسبندگی رو به پایین خواهد بود. برای بررسی تأثیر تغییر حساسیت بر چسبندگی حق الزحمه حساسیتی ما علامت ضریب β_5 را بررسی می‌کنیم. در صورتی که این ضریب منفی (مثبت) باشد، نشان دهنده چسبندگی روبه پایین (بالا) حق الزحمه حساسیتی در سال‌های تغییر حساسیت است (چانگ و همکاران، ۲۰۱۹). برای آزمون فرضیه‌ی دوم و سوم از مدل (۳) استفاده شده است. در مدل زیر با بررسی و مقایسه ضرایب تک‌تک متغیرها به بررسی فرضیات مبادرت شده است.

مدل (۳):

$$\begin{aligned} \Delta Afit = & \beta_0 + \beta_1 \text{Switch}^{TT} \times \Delta Eafit + \beta_2 \text{Switch}^{TT} \times D \times \Delta Eafit + \\ & \beta_3 \text{Switch}^{TN} \times \Delta Eafit + \beta_4 \text{Switch}^{TN} \times D \times \Delta Eafit + \beta_5 \text{Switch}^{NN} \times \\ & \Delta Eafit + \beta_6 \text{Switch}^{NN} \times D \times \Delta Eafit + \beta_7 \text{Switch}^{NT} \times \Delta Eafit + \beta_8 \text{Switch}^{NT} \\ & \times D \times \Delta Eafit + \beta_9 \text{FirstRank} \text{Aud} \text{it} + \beta_{10} \text{Aud} \text{Opn} \text{it} + \beta_{11} \text{Loss} \text{it} + \beta_{12} \\ & \text{Subs} \text{it} + \beta_{13} \text{Issue} \text{it} + \beta_{14} \text{FyEnd} \text{it} + \beta_{15} \text{Size} \text{it} + \beta_{16} \text{Lev} \text{it} + \beta_{17} \text{Inv} \\ & \text{Rec} \text{it} + \beta_{18} \text{Aturn} \text{it} + \beta_{19} \text{Age} \text{it} + \beta_{20} \text{ConOwn} \text{it} + \beta_{21} \text{StOwn} \text{it} + \\ & \sum \beta_j \text{IndustryDum} + \beta_k \text{Year Dum} + \text{eit} \end{aligned}$$

در مدل فوق $\Delta Eaf Switch TT \times D$ حاصل ضرب تغییر حساسیت بین طبقه اول در متغیر ساختگی و تغییر حق الزحمه موردانتظار است. $\Delta Eaf Switch TN \times D$ حاصل ضرب تغییر حساسیت از طبقه اول به سایر طبقات در متغیر ساختگی و تغییر حق الزحمه موردانتظار است. $\Delta Eaf Switch NT \times D$ حاصل ضرب تغییر حساسیت از سایر طبقات به طبقه اول در متغیر ساختگی و تغییر حق الزحمه موردانتظار است. $\Delta Eaf Switch NN \times D$ حاصل ضرب تغییر حساسیت بین سایر طبقات در متغیر ساختگی و تغییر حق الزحمه موردانتظار است. تغییر حساسیت بین طبقه اول ($Switch TT$) تغییر از یک حساسیت طبقه اول به یک حساسیت طبقه اول دیگر، تغییر حساسیت بین طبقه‌ای ($Switch TN$) تغییر از حساسیت طبقه اول به حساسیت سایر طبقات، تغییر حساسیت بین سایر طبقات ($Switch NN$) تغییر از یک حساسیت سایر طبقات به یک حساسیت سایر طبقه‌ای دیگر، تغییر حساسیت بین طبقه‌ای ($Switch NT$) تغییر از حساسیت سایر طبقات به حساسیت طبقه اول (دولت زارعی، ۱۳۹۸). تعریف عملیاتی سایر متغیرها پیشتر ارائه شده است. در مدل مذکور برای بررسی فرضیه دوم اگر حق الزحمه حساسیتی دارای چسبندگی رو به پایین بیشتری نسبت به چسبندگی رو به بالا باشند، ضرایب موردنظر منفی است؛ همچنین برای بررسی فرضیه سوم، اگر حق الزحمه حساسیتی دارای چسبندگی رو به پایین کمتری نسبت به چسبندگی رو به بالا باشند، ضرایب موردنظر مثبت است (چانگ و همکاران، ۲۰۱۹).

۲-۴ یافته‌ها

۴-۲-۱- آمار توصیفی

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر پیوسته					
نماد	متغیر	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
Audfee	حق الزحمه حساسیتی (میلیون ریال)	۹۷۴/۵۷۴	۷۸۰	۴۴۰۲	۷۵۵/۵۰۲
Δeaf	تغییر در حق الزحمه مورد انتظار	۰/۱۷۳	۰/۱۷۶	۱/۱۵۰	-۱/۱۸۲
Size	اندازه شرکت	۱۳/۵۸۸	۱۳/۷۲	۱۵/۵۵	۱/۱۶۰
Lev	اهرم مالی	۰/۶۲۴	۰/۵۹	۱/۴۷	۰/۳۰۳
Invrec	تغییرات مطالبات	۰/۴۸۸	۰/۵۰	۰/۸۳	۰/۲۲۳
Aturn	گردش دارایی‌ها	۰/۸۰۹	۰/۷۲	۲/۱۰	۰/۵۶۷
Age	سن شرکت	۳۷/۴۱۱	۳۹	۶۸	۱۶/۱۰۴

متغیر پیوسته						
نماد	متغیر	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
Conown	تمرکز مالکیت	۰/۴۹۴	۰/۵۱	۰/۸۴	۰/۱۲	۰/۲۱۶
Liq	نقدینگی	۱/۴۳۴	۱/۲۵	۳/۵۹	۰/۲۱	۰/۸۳۷
Roa	بازده دارایی	۰/۰۷۹	۰/۰۷	۰/۳۷	-۰/۲۳	۰/۱۴۴

متغیر گسسته						
نماد	متغیر	فراوانی	فراوانی	درصد	درصد	انحراف معیار
		یک	صفر	یک	صفر	
Dummy	متغیر مجازی (ساختگی)	۱۶۱	۴۱۹	۲۷/۷۶	۷۲/۲۴	
Switch	تغییر حسابرسی	۱۹۰	۵۰۱	۲۷/۵	۷۲/۵	
Switchtt	تغییر حسابرسی (طبقه اول به طبقه اول)	۶۴	۶۲۷	۹/۲۶	۹۰/۷۴	
Switchnn	تغییر حسابرسی (سایر طبقات به سایر طبقات)	۴۶	۶۴۵	۶/۶۶	۹۳/۳۴	
Switchnt	تغییر حسابرسی (سایر طبقات به طبقه اول)	۴۶	۶۴۵	۶/۶۶	۹۳/۳۴	
Switchtn	تغییر حسابرسی (طبقه اول به سایر طبقات)	۳۴	۶۵۷	۴/۹۲	۹۵/۰۸	
Firstrank	حسابرسی طبقه اول	۳۸۶	۳۰۵	۵۵/۸۶	۴۴/۱۴	
Audopn	اظهاری غیرمقبول حسابرسی	۴۰۳	۲۸۸	۵۸/۳۲	۴۱/۶۸	
Loss	زیان‌ده بودن	۱۵۰	۵۴۱	۲۱/۷۱	۷۸/۲۹	
Subs	شرکت دارای شرکت فرعی	۱۹۷	۴۹۴	۲۸/۵۱	۷۱/۴۷	
Stown	مالکیت دولتی شرکت	۴۱۳	۲۷۸	۵۹/۷۷	۴۰/۲۳	
Issue	افزایش سرمایه	۱۵۵	۵۳۶	۲۲/۴۳	۷۷/۵۷	

متغیر پیوسته						
نماد	متغیر	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
Fy End	پایان سال مالی	۵۳۱	۵۳۱	۱۶۰	۷۶/۸۵	۲۳/۱۵
Δ management	تغییر هیئت‌مدیره	۴۸۸	۴۸۸	۲۰۳	۷۰/۶۲	۲۹/۳۸

همانطور که در نگاره ۲ مشاهده می‌گردد، میانگین حق الزحمه حسابرس ۹۷۴/۵۷۴ میلیون ریال است. این رقم نشان می‌دهد که به طور متوسط شرکت‌ها ۹۷۴ میلیون هزینه حسابرسی پرداخت می‌نمایند. همچنین میانگین حق الزحمه حسابرس در پژوهش خدکرامی و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، برابر ۹۲۴ میلیون است. میانگین این متغیر نیز نشان می‌دهد که نیمی از شرکت‌ها حق الزحمه پرداختی نزدیک به میانگین دارند. اعداد حداکثر و حداقل مربوط به این متغیر، به ترتیب ۴۴۰۲ و ۱۳۵ میلیون ریال است. میانگین تغییر در حق الزحمه مورد انتظار ۰/۱۷۳ و میانگین آن برابر ۰/۱۷۶ است. سطح معناداری آزمون دوسویه با آماره تی‌استیودنت (۱/۰۹۵-) نشان می‌دهد که میانگین متغیر حق الزحمه حسابرسی (لگاریتم طبیعی حق الزحمه) در شرکت‌های دارای تغییر حسابرسان (۵/۷۰۷) از شرکت‌های بدون تغییر حسابرسان (۵/۶۳۱) تفاوت معناداری ندارد. همچنین سطح معناداری آزمون دوسویه با آماره تی‌استیودنت (۰/۹۵۹-) نشان می‌دهد که میانگین تغییر در حق الزحمه مورد انتظار در شرکت‌های دارای تغییر حسابرسان (۰/۲۰۳) از شرکت‌های بدون تغییر حسابرسان (۰/۱۶۱) تفاوت معناداری ندارد. ۵۶ درصد حسابرسان شرکت‌ها از حسابرسان طبقه اول انتخاب شده است و ۲۷ درصد از شرکت‌ها، حسابرسان خود را تغییر داده‌اند. در ادامه، نتایج نشان می‌دهد که تغییر حسابرسان از طبقه اول به طبقه اول دیگر ۶۴ مورد و تغییر حسابرسان از سایر طبقات به سایر طبقات دیگر ۴۶ مورد بوده است. افزون بر آن، تغییر حسابرسان شرکت‌های نمونه‌ی مورد بررسی از سایر طبقات به طبقه اول ۴۶ مورد و از طبقه اول به سایر طبقات، ۳۴ مورد بوده است. این نتایج در راستای پژوهش دولت زارعی (۱۳۹۸) می‌باشد. در بین متغیرهای گسسته، نتایج نشان می‌دهد که ۵۸ درصد شرکت‌ها اظهار نظر حسابرسان، غیر مقبول دریافت کرده‌اند همچنین ۷۷ درصد شرکت‌ها، سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند داشته‌اند. در نهایت با بررسی میزان مالکیت خصوصی شرکت‌ها قابل مشاهده است که حدود ۴۰ درصد شرکت‌ها بیش از ۵۰ درصد سهام آن‌ها متعلق به بخش خصوصی بوده است. نتایج آزمون کای دو در گروهی که حسابرسان تغییر کرده است، نشان می‌دهد تغییر حسابرسان طبقه اول به حسابرسان طبقه اول برابر ۶۴ می‌باشد، آماره برابر با ۱۸۵/۹۸ و معنادار است. این آزمون نشان می‌دهد تغییر حسابرسان طبقه اول به حسابرسان سایر طبقات برابر ۳۴ است، همچنین

1. Khodakarami, M.

معنادار و آماره برابر با ۹۴/۲۹ است. نتایج آزمون کای دو با آماره برابر با ۱۲۹/۹۴ نشان می‌دهد تغییر حسابداری سایر طبقات به حسابداری سایر طبقات برابر ۴۶ و معنادار است. همچنین تغییر حسابداری سایر طبقات به حسابداری طبقه اول برابر ۴۶ با آماره‌ای برابر با ۱۲۹/۹۴ و معنادار است.

۳-۴- آزمون فرضیه‌های پژوهش

۴-۲-۱- آزمون فرضیه اول

نگاره ۳. آزمون فرضیه اول (رگرسیون مقاوم)

نماد	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال آماره t
ΔEAF	۰/۲۹۰***	۲/۴۱	۰/۰۱۶
$D \times \Delta EAF$	۰/۵۵۲***	۲/۴۵	۰/۰۱۵
Switch	-۰/۰۴۴	-۰/۸۴	۰/۴۰۱
$Switch \times \Delta EAF$	۰/۰۴۹	۰/۴۴	۰/۶۵۷
$Switch \times D \times \Delta EAF$	۰/۱۳۵	۰/۵۸	۰/۵۶۱
FirstRankAud	۰/۰۱۹	۰/۶۲	۰/۵۳۸
AudOpn	۰/۰۱۵	۰/۴۷	۰/۶۳۷
Loss	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۹۹۴
Subs	۰/۰۱۷	۰/۴۴	۰/۶۵۹
Issue	-۰/۰۲۶	-۰/۷۴	۰/۴۵۹
FyEnd	-۰/۰۳۰	-۰/۷۰	۰/۴۸۲
Size	۰/۰۰۶	۰/۴۲	۰/۶۷۱
lev	-۰/۰۷۷	-۱/۲۱	۰/۲۲۸
Invrec	-۰/۰۱۳	-۰/۱۴	۰/۸۸۵
Aturn	۰/۰۳۸	۱/۱۷	۰/۲۴۳
Age	-۰/۰۲۳	-۰/۶۸	۰/۴۹۹
Conown	۰/۰۵۲	۰/۷۵	۰/۴۵۲
Stown	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳	۰/۹۷۹
Cons	۰/۰۷۳	۰/۳۰	۰/۷۶۳
سال - صنعت	کنترل شد		
ضریب تعیین	۰/۶۶۲		
آماره F	۴۴/۳۳		
سطح معناداری آماره F	۰/۰۰***		
تعداد مشاهدات	۵۸۰		

***معناداری در سطح ۹۹ درصد**معناداری در سطح ۹۵ درصد * معناداری در سطح ۹۰ درصد

بر اساس نتایج مدل ارائه شده در نگاره شماره (۳)، احتمال آماره t مربوط به متغیر ΔEaf $\times D$ \times Switch نشان می دهد که در هیچ یک از سطوح اطمینان معنادار نیست. بدین ترتیب، تأثیر تغییر حساسیت بر میزان چسبندگی حق الزحمه حساسیت معنادار نیست. بر این اساس فرضیه نخست پژوهش "میان تغییر حساسیت و چسبندگی حق الزحمه های حساسیت، رابطه معناداری وجود دارد" قابل پذیرش نیست. احتمال آماره t مربوط به متغیر $\Delta Eaf \times D$ در سطح ۹۵ درصد معنادار است که نشان می دهد که بدون در نظر گرفتن تغییر حساسیت، به طور کلی چسبندگی حق الزحمه حساسیت در فضای پژوهشی ایران وجود دارد و مثبت بودن ضریب β_2 بیانگر آن است که چسبندگی رو به پایین، نسبت به چسبندگی رو به بالا کمتر است، بنابراین؛ حساسیت به افزایش حق الزحمه های حساسیت، هنگام افزایش هزینه های حساسیت تمایلی ندارند. لازم به ذکر است برای مقابله با ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی از رویکرد رگرسیون مقاوم به خطای خوشه بندی شده^۱ در سطح شرکت استفاده شده است (پترسون^۲، ۲۰۰۹).

۴-۲-۲ - آزمون فرضیه دوم و سوم

نگاره ۴. آزمون فرضیه دوم و سوم (رگرسیون مقاوم)

نماد	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال آماره t
SwitchTT \times ΔEAF	۰/۰۰۲	۰/۰۲	۰/۹۸۱
SwitchTT \times D \times ΔEAF	۰/۵۶۷	۰/۷۶	۰/۴۵۰
SwitchTN \times ΔEAF	-۰/۰۵۱	-۰/۱۰	۰/۹۱۷
SwitchTN \times D \times ΔEAF	۱/۴۹۵	۱/۵۳	۰/۱۲۶
SwitchNN \times ΔEAF	-۰/۲۳۶	-۱/۱۶	۰/۲۴۵
SwitchNN \times D \times ΔEAF	۲/۹۸۸*	۱/۹۶	۰/۰۵۱
SwitchNT \times ΔEAF	۰/۳۵۸**	۲/۶۷	۰/۰۰۸
SwitchNT \times D \times ΔEAF	-۰/۳۷۷	-۰/۵۲	۰/۶۰۴
FirstRankAud	-۰/۰۲۱	-۰/۵۹	۰/۵۵۹
AudOpn	۰/۰۰۶	۰/۲۱	۰/۸۳۰
Loss	-۰/۰۰۶	-۰/۱۵	۰/۸۸۰
Subs	۰/۰۲۳	۰/۵۴	۰/۵۸۷
Issue	-۰/۰۱۴	-۰/۴۱	۰/۶۸۲
FyEnd	-۰/۰۴۵	-۰/۹۷	۰/۳۳۵
Size	۰/۰۰۸	۰/۴۷	۰/۶۴۰

1. Robust Regression

2. Petersen

نماد	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال آماره t
lev	-۰/۰۸۶	-۱/۲۹	۰/۱۹۶
Invrec	۰/۰۵۴	۰/۵۵	۰/۵۸۲
Aturn	۰/۰۴۱	۱/۲۶	۰/۲۰۷
Age	-۰/۰۴۵	-۱/۲۵	۰/۲۱۴
Conown	۰/۰۱۵	۰/۲۲	۰/۸۲۹
Stown	-۰/۰۱۱	-۰/۳۲	۰/۷۴۷
Cons	۰/۱۲۳	۰/۴۹	۰/۶۲۲
سال - صنعت		کنترل شد	
ضریب تعیین		۰/۶۳۷	
آماره F		۳۶/۰۵	
سطح معناداری آماره F و		۰/۰۰***	
تعداد مشاهدات		۵۸۰	

***معناداری در سطح ۹۹ درصد**معناداری در سطح ۹۵ درصد * معناداری در سطح ۹۰ درصد

بر اساس نتایج مدل ارائه‌شده در نگاره شماره (۴)، احتمال آماره t مربوط به متغیرهای تغییرات حسابرسان طبقه اول و سایر طبقات به حسابرسان طبقه اول ($SwitchTT \times D \times \Delta Eaf$) و ($SwitchNT \times D \times \Delta Eaf$)، نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از سطوح اطمینان معنادار نیست. بر این اساس فرضیه دوم "تغییر حسابرسان از طبقه اول و سایر طبقات به حسابرسان طبقه اول منجر به چسبندگی روبه پایین حق الزحمه حسابرسان می‌شود" پذیرفتنی نیست. در خصوص فرضیه سوم، "تغییر حسابرسان از طبقه اول و همچنین از سایر طبقات به حسابرسان سایر طبقات، منجر به چسبندگی رو به بالای حق الزحمه حسابرسان می‌شود"، نتایج نشان می‌دهد که احتمال آماره t مربوط به متغیرها $SwitchTN \times D \times \Delta Eaf$ در هیچ‌یک از سطوح اطمینان معنادار نیست و فرضیه سوم برای تغییر حسابرسان از طبقه اول به سایر طبقات قابل پذیرش نیست؛ اما احتمال آماره t مربوط به متغیر $SwitchNN \times D \times \Delta Eaf$ نشان می‌دهد که متغیر مذکور دارای اثر معناداری بر حق الزحمه‌های حسابرسان است. بدین ترتیب، تغییر حسابرسان سایر طبقات به حسابرسان سایر طبقات، به دلیل مثبت بودن ضریب β_6 بیانگر آن است که چسبندگی روبه پایین، نسبت به چسبندگی رو به بالا کمتر است. بنابراین، عدم تمایل حسابرسان به افزایش حق الزحمه‌های حسابرسان، هنگام افزایش هزینه‌های حسابرسان بیشتر است. لازم به ذکر است برای مقابله با ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی از رویکرد رگرسیون مقاوم به خطای خوشه بندی شده در سطح شرکت استفاده شده است (پترسون^۱، ۲۰۰۹).

۳-۴ - تحلیل حساسیت

۳-۴-۱ - کنترل درون‌زایی انتخاب حسابرسان

مدل (۲) و (۳) مسئله‌ای را که تغییر حسابرسان ممکن است درون‌زا باشد را در نظر نمی‌گیرد. از آنجاکه صاحب‌کاران در انتخاب حسابرسان خود آزاد هستند، ممکن است سوگیری خود گزینش وجود داشته باشد. زمانی که مشکل درون‌زا بودن متغیر مستقل اصلی وجود دارد، روش حداقل مربعات معمولی^۱ منجر به برآوردهای متناقض می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که صاحب‌کاران به صورت تصادفی حسابرسان خود را انتخاب نمی‌کنند؛ بلکه بر اساس و منافع و اهدافشان به صورت داوطلبانه دست به تغییر و انتخاب حسابرسان می‌زنند (بتی و فیرنلی^۲، ۱۹۹۸). چنین موضوعی منجر به نقض اصل انتخاب تصادفی نمونه پژوهش می‌شود؛ بنابراین، این پژوهش همانند پژوهش‌های چی‌نی و همکاران (۲۰۰۴) و لاورنس و همکاران^۳ (۲۰۱۱) از یک روش فراگیر استفاده شده برای تخمین «امتیاز - تمایل»^۴ استفاده می‌کند تا بتواند مشکل مذکور را مرتفع نماید. در این روش، یک شرکتی که حسابرسان خود را بین مؤسسه‌های حسابرسانی طبقه اول تغییر داده یا یک شرکتی که حسابرسان خود را بین سایر مؤسسه‌های حسابرسانی معتمد تغییر داده (بدون جایگزینی و تکرار) بر اساس فرآیند «پیوند نزدیک‌ترین همسایه»^۵ باهم منطبق می‌شوند. در نهایت، مدل اصلی پژوهش بر اساس نمونه تطبیقی به‌دست‌آمده اجرا و نتایج آن تفسیر می‌شود. البته باید توجه داشت که مدل‌های تطبیقی نیز ضعف‌های مربوط به خود را دارند. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های آن‌ها این است که در مرحله تطبیق قسمتی از مشاهدات نمونه اولیه حذف می‌شوند (گاش و لاستگارتن، ۲۰۰۶).

مدل (۴):

$$AudTop\ it = \lambda + y1\ Stown\ it + y2\ Size\ it + y3\ Lev\ it + y4\ InvRec\ it + y5\ Liq\ it + y6\ Subs\ it + y7\ Switch\ it + y8\ \Delta Management\ it + y9\ LogAge\ it + y10\ AudOpn\ it + y11\ Issue\ it + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k Year\ Dum + \delta$$

به‌منظور اطمینان از نتایج حاصل از پژوهش و کنترل درون‌زایی انتخاب حسابرسان، مدل‌ها مجدداً با استفاده از رویکرد PSM برآورد شده است که نتایج آن به شرح زیر است.

۳-۴-۲ - آزمون فرضیه اول (بعد از کنترل درون‌زایی)

نتایج آزمون فرضیه اول «میان تغییر حسابرسان و چسبندگی حق الزحمه‌های حسابرسان، رابطه معناداری وجود دارد» با استفاده از رویکرد PSM در نگاره شماره (۵) ارائه شده است.

1. Ordinary least squares
2. Beattie, and Fearnley
3. Lawrence, et al.
4. Propensity score
5. Nearest neighbor matching

نگاره ۵. آزمون فرضیه اول (رگرسیون مقاوم)

نماد	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال آماره t
ΔEAF	۰/۲۶۲	۱/۴۷	۰/۱۴۱
$D \times \Delta EAF$	۰/۵۲۱	۱/۵۱	۰/۱۳۳
Switch	-۰/۰۴۹	-۰/۷۸	۰/۴۳۷
Switch \times ΔEAF	۰/۱۰۷	۰/۷۹	۰/۴۲۸
Switch \times D \times ΔEAF	۰/۱۳۷	۰/۴۷	۰/۶۴۰
FirstRankAud	۰/۰۶۸	۱/۵۰	۰/۱۳۶
AudOpn	-۰/۰۱۵	-۰/۳۵	۰/۷۲۹
Loss	-۰/۰۱۶	-۰/۲۹	۰/۷۷۴
Subs	۰/۰۴۱	۰/۶۶	۰/۵۱۰
Issue	-۰/۰۱۰	-۰/۲۲	۰/۸۲۷
FyEnd	-۰/۰۱۶	-۰/۲۸	۰/۷۸۱
Size	۰/۰۰۸	۰/۳۳	۰/۷۴۵
lev	۰/۰۰۵	۰/۰۵	۰/۹۶۴
Invrec	۰/۰۱۹	۰/۱۴	۰/۸۹۰
Aturn	۰/۰۷۰	۱/۴۵	۰/۱۴۷
Age	-۰/۰۴۵	-۰/۹۲	۰/۳۵۶
Conown	۰/۰۱۴	۰/۱۵	۰/۸۷۷
Stown	۰/۰۱۹	۰/۴۰	۰/۶۸۶
Cons	۰/۱۸۹	۰/۵۴	۰/۵۸۸
سال - صنعت	کنترل شد		
ضریب تعیین	۰/۵۹۰		
آماره F	۲۰/۰۱		
سطح معناداری آماره F	۰/۰۰***		
تعداد مشاهدات	۳۳۶		

***معناداری در سطح ۹۹ درصد**معناداری در سطح ۹۵ درصد * معناداری در سطح ۹۰ درصد

بر اساس نتایج مدل ارائه‌شده در نگاره شماره (۵)، احتمال آماره t مربوط به متغیر $Switch \times D \times \Delta Eaf$ نشان می‌دهد که متغیر مذکور در هیچ‌یک از سطوح اطمینان معنادار نیست. بدین ترتیب، تأثیر تغییر حساسیت بر میزان چسبندگی حق الزحمه حساسیت معنادار نیست. بر این اساس فرضیه نخست پژوهش پذیرفتنی نیست.

۴-۳-۳ - آزمون فرضیه دوم و سوم (بعد از کنترل درون زایی)

نتایج آزمون فرضیه دوم «تغییر حسابرسان از طبقه اول و سایر طبقات به حسابرسان طبقه اول منجر به چسبندگی روبه پایین حق الزحمه حسابرسان می شود» و آزمون فرضیه سوم «تغییر حسابرسان از طبقه اول و همچنین از سایر طبقات به حسابرسان سایر طبقات، منجر به چسبندگی رو به بالای حق الزحمه حسابرسان می شود» با استفاده از رویکرد PSM در نگاره شماره (۶) ارائه شده است.

نگاره ۶. آزمون فرضیه دوم و سوم (رگرسیون مقاوم)

احتمال آماره t	آماره t	ضریب برآورد شده	نماد
۰/۸۲۸	۰/۲۲	۰/۰۲۵	SwitchTT×ΔEAF
۰/۲۲۲	۱/۲۲	۱/۰۳۵	SwitchTT×D×ΔEAF
۰/۵۳۶	۰/۶۲	۰/۳۴۹	SwitchTN×ΔEAF
۰/۲۰۱	۱/۲۸	۱/۳۶۴	SwitchTN×D×ΔEAF
۰/۷۹۶	-۰/۲۶	-۰/۰۵۹	SwitchNN×ΔEAF
۰/۰۴۴	۲/۰۳	۲/۸۱۲**	SwitchNN×D×ΔEAF
۰/۰۳۳	۲/۱۴	۰/۳۲۲**	SwitchNT×ΔEAF
۰/۷۹۹	۰/۲۶	۰/۲۰۰	SwitchNT×D×ΔEAF
۰/۳۳۵	۰/۹۷	۰/۰۵۵	FirstRankAud
۰/۴۸۶	-۰/۷۰	-۰/۰۳۰**	AudOpn
۰/۸۸۳	-۰/۱۵	-۰/۰۰۸	Loss
۰/۲۶۲	۱/۱۲	۰/۰۷۷	Subs
۰/۷۱۳	-۰/۳۷	-۰/۰۱۷	Issue
۰/۵۷۹	-۰/۵۶	-۰/۰۳۴	FyEnd
۰/۸۳۹	۰/۲۰	۰/۰۰۵	Size
۰/۹۹۱	۰/۰۱	۰/۰۰۱	lev
۰/۳۸۶	۰/۸۷	۰/۱۲۳	Invrec
۰/۰۶۸	۱/۸۳	۰/۰۸۵*	Aturn
۰/۱۹۹	-۱/۲۹	-۰/۰۶۵	Age
۰/۴۷۶	-۰/۷۱	-۰/۰۶۵	Conown
۰/۸۸۴	۰/۱۵	۰/۰۰۷	Stown
۰/۴۶	۰/۷۳	۰/۲۶۷	Cons

کنترل شد
۰/۵۷۸

سال - صنعت
ضریب تعیین

نماد	ضریب برآورد شده	آماره t	احتمال آماره t
	آماره F	۱۴/۹۲	
	سطح معناداری آماره F	۰/۰۰***	
	تعداد مشاهدات	۳۳۶	
***معناداری در سطح ۹۹ درصد**معناداری در سطح ۹۵ درصد * معناداری در سطح ۹۰ درصد			

بر اساس نتایج مدل ارائه شده در نگاره شماره (۶)، احتمال آماره t مربوط به متغیرهای تغییرات حساب‌رسان طبقه اول و سایر طبقات به حساب‌رسان طبقه اول ($SwitchTT \times D \times \Delta Eaf$) و ($SwitchNT \times D \times \Delta Eaf$)، نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از سطوح اطمینان معنادار نیستند. بر این اساس فرضیه دوم قابل پذیرش نیست.

در خصوص فرضیه سوم نتایج نشان می‌دهد که احتمال آماره t مربوط به ضریب متغیر $SwitchTN \times D \times \Delta Eaf$ در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار است، لذا فرضیه سوم قابل پذیرش است. مثبت بودن ضریب β_4 نشان می‌دهد که در تغییر حساب‌رسان طبقه اول به حساب‌رسان سایر طبقات، چسبندگی روبه پایین، نسبت به چسبندگی رو به بالا کمتر است. در نتیجه عدم تمایل حساب‌رسان به افزایش حق الزحمه‌های حساسیتی، هنگام افزایش هزینه‌های حساسیتی بیشتر است.

همچنین بر اساس نتایج، احتمال آماره t مربوط به ضریب متغیر $SwitchNN \times D \times \Delta Eaf$ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛ بدین ترتیب، مثبت بودن ضریب β_5 نشان می‌دهد که در تغییر حساب‌رسان سایر طبقات به حساب‌رسان سایر طبقات، چسبندگی روبه پایین، نسبت به چسبندگی رو به بالا کمتر است. بنابراین، عدم تمایل حساب‌رسان به افزایش حق الزحمه‌های حساسیتی هنگام افزایش هزینه‌های حساسیتی بیشتر است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر تغییر حساسیت بر چسبندگی حق الزحمه حساسیتی پس از رتبه‌بندی مؤسسات حساسیتی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که به‌طور کلی چسبندگی حق الزحمه حساسیتی وجود دارد و چسبندگی روبه پایین، نسبت به چسبندگی رو به بالا کمتر است؛ بنابراین، عدم تمایل حساب‌رسان به افزایش حق الزحمه‌های حساسیتی، هنگام افزایش هزینه‌های حساسیتی بیشتر است. این یافته‌ها در راستای نظریه قدرت چانه‌زنی است؛ زیرا بر اساس نظریه مذکور (دای، ۱۹۹۱) قدرت چانه‌زنی صاحب‌کار بیشتر از حساب‌رسان است و صاحب‌کار می‌تواند حق الزحمه حساسیتی را نزدیک به هزینه‌های حساب‌رسان فعلی نگه دارد؛ بنابراین زمانی که قدرت چانه‌زنی صاحب‌کار افزایش یابد بین مؤسسات حساسیتی رقابت بالاتری شکل می‌گیرد و منجر به افزایش چسبندگی رو به بالا در حق الزحمه حساسیتی می‌شود (رشیدی،

۱۴۰۰؛ آستانا و بون، ۲۰۱۲).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تغییر حسابرسان ارتباط معناداری با چسبندگی حق الزحمه حسابداری ندارد و بر این اساس فرضیه نخست پژوهش پذیرفتنی نیست. همچنین اثر تغییر حسابرسان از طبقه اول و سایر طبقات به حسابرسان طبقه اول معنادار نیست و فرضیه دوم پژوهش نیز قابل پذیرش نیست که این نتیجه برخلاف با شواهد تجربی ارائه شده از سوی لاوویی (۲۰۱۵) و چانگ و همکاران (۲۰۱۹) است. چانگ و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند در بازارهای متمرکز، حسابرسان از قدرت بازار بیشتری برخوردارند، حق الزحمه حسابداری را افزایش می‌دهند و حق الزحمه حسابداری چسبندگی رو به پایین دارد. باین وجود، ویژگی‌های محیط پژوهشی چانگ و همکاران قابل تسری به محیط ایران نیست. فضای پژوهشی ایران با ویژگی‌های خاصی مانند ریسک دادخواهی پایین، عدم حضور حسابرسان متمایز از لحاظ کیفیت (چهار حسابرسان بزرگ)، عدم تقاضا برای حسابداری با کیفیت بالا، رقابت شدید بین حسابرسان خصوصی برای جذب مشتری و غیره دست‌وپنجه نرم می‌کند که با وجود این شرایط، رسیدن به نتایجی متناقض با پژوهش‌های پیشین مسئله عجیبی نیست. در همین راستا، اثر تغییر حسابرسان از طبقه اول به سایر طبقات بر چسبندگی حق الزحمه نیز معنادار نمی‌باشد؛ اما تغییر حسابرسان از سایر طبقات به حسابرسان سایر طبقات، اثر معناداری بر چسبندگی حق الزحمه دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که چسبندگی رو به پایین، نسبت به چسبندگی رو به بالا کمتر است و با وجود افزایش در هزینه‌های حسابداری، حسابرسان اقدام قابل توجهی برای افزایش حق الزحمه‌های حسابداری ننموده‌اند. این نتایج با استفاده از آزمون‌های حساسیت تقویت شده‌اند.

پژوهش حاضر دارای دانش‌افزایی‌هایی در تئوری و در عمل است. در وهله نخست، این پژوهش می‌تواند بینش‌های مفیدی برای نهادهای تصمیم‌گیرنده و ناظر در حوزه حرفه حسابداری و حسابداری از جمله جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار و غیره فراهم نماید تا تأثیر انواع مختلف تغییر حسابرسان پس از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری (از طبقه اول به طبقه اول، از سایر طبقات به سایر طبقات، از طبقه اول به سایر طبقات و از سایر طبقات به طبقه اول) بر چسبندگی حق الزحمه‌های حسابداری را مورد ارزیابی و شناخت قرار دهند و شواهد جدیدی را از بازار حسابداری فراهم نماید تا به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی و نظارت جهت کنترل کیفیت مؤسسه‌های عضو جامعه حسابداران رسمی مفید واقع شود. دوم، این پژوهش دارای دانش‌افزایی برای ادبیات پژوهشی است زیرا رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری و تغییر حسابرسان بین طبقات مختلف، رویداد نوینی است که در ایران اتفاق افتاده است و نتایجی را آشکار می‌نماید که پیش‌تر پنهان بوده است و از این حیث می‌تواند دانش‌افزایی‌هایی را برای ادبیات پژوهشی و تصمیم‌گیرندگان مالی به همراه داشته باشد. سوم، پژوهش حاضر اثرات اقتصادی تغییر حسابرسان بین طبقات مختلف را بر روی حق الزحمه و چسبندگی حق الزحمه حسابداری بررسی می‌کند و درنهایت، این پژوهش می‌تواند اطلاعات مفیدی برای دانشجویان و پژوهشگران رشته حسابداری در این حوزه فراهم نماید تا پیامدهای تغییر حسابرسان پس از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری

را درک کنند. در این پژوهش تأثیر تغییر حسابرس بر چسبندگی حق الزحمه حسابسان مورد آزمون قرار گرفت، از این‌رو پیشنهاد می‌شود تا پژوهشگران و دانشجویان رشته حسابداری اثر قدرت چانه‌زنی صاحب‌کار و حسابرس را بر چسبندگی حق الزحمه بررسی کنند. به‌عنوان پیشنهاد دیگر نیز، نقش کمیته حسابداری بر رابطه بین نوع حسابرس و چسبندگی حق الزحمه حسابداری قابل بررسی است و در نهایت به بررسی تأثیر چرخه‌های تجاری بر چسبندگی حق الزحمه حسابداری پرداخته شود.

پژوهش حاضر نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است. نخستین و اصلی‌ترین محدودیت پژوهش حاضر در گردآوری داده‌ها، مربوط به افشای داوطلبانه حق الزحمه‌های حسابداری است؛ چراکه بیشتر از نیمی از شرکت‌های صاحب‌کار حق الزحمه‌های حسابداری را به‌صورت داوطلبانه و جداگانه در صورت‌های مالی افشا نمی‌کنند (محمدرضائی و محدصالح، ۲۰۱۷). در وهله دوم، مشاهدات حسابداری شده توسط سازمان حسابداری حذف شده‌اند. باوجوداینکه سازمان حسابداری جزء مؤسسات حسابداری طبقه "اول" است، اما مبالغ حق الزحمه‌های حسابداری در مورد سازمان حسابداری قابل مقایسه با مؤسسه‌های حسابداری خصوصی نیست. از طرفی، مطابق با تئوری حسابداری شونده و حسابداری کننده دولتی (محمدرضائی و محدصالح، ۲۰۱۷؛ باقرپور و همکاران، ۲۰۰۸)، چون که شرکت صاحب‌کار و حسابرس هر دو تحت مالکیت و کنترل دولت هستند تمایلی به چانه‌زنی بر سر حق الزحمه‌های حسابداری ندارند و مبلغ حسابداری را انتقال پول از یک جیب دولت به جیب دیگر آن می‌دانند. از این‌رو، مشاهداتی که توسط سازمان حسابداری مورد حسابداری قرار گرفته‌اند از نمونه پژوهش حذف شده‌اند و می‌بایست در تعمیم دادن یافته‌های پژوهش دقت شود. محدودیت دیگر پژوهش حاضر اینکه رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۲ عملیاتی شده است و بازه زمانی پژوهش حاضر ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است و سال‌های قبل از آن در این مطالعه لحاظ نگردیده است. در نهایت، از آنجایی که در این پژوهش از روش غربالگری برای نمونه‌گیری استفاده شده است و منجر به حذف برخی از صنایع من جمله واسطه‌گری‌های مالی شده است، لذا در تعمیم نتایج به کل صنایع باید احتیاط لازم به عمل آید.

فهرست منابع

الف- فارسی:

۱. امانی، علی؛ دوانی، غلامحسین. (۱۳۸۳). خدمات، حق الزحمه و رتبه‌بندی حسابسان. دنیای اقتصاد، ۱۸-۱۹.
۲. بزرگ اصل، موسی. (۱۳۸۸). پیرامون حق الزحمه حسابداری مستقل، مجله حسابدار شماره ۲۱۰.
۳. پورمحمدی، امید؛ گل محمدی شورکی، مجتبی. (۱۳۹۴). سنجش رقابت در بازار خدمات حسابداری از طریق بررسی چسبندگی حق الزحمه حسابداری. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۷)، ۱-۲۱.
۴. جامعی، رضا؛ خانقلی، مولود. (۱۳۹۷). تأثیر کاربرد مدل سایمون یک در برآورد چسبندگی حق الزحمه حسابداری. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۱۰(۳۹)، ۱۶۰-۱۹۰.
۵. حجازی، رضوان؛ قیطاسی، روح اله؛ قیطاسی، طالب. (۱۳۹۱). اثر اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابداری و تحقیقات حسابداری و حسابداری، ۱۳(۴): ۶۲-۷۷.

۶. دولت زارعی، احسان. (۱۳۹۸). تغییر حسابر و تخفیف حق الزحمه حسابداری بعد از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابداری (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم.
۷. رجیبی، روح‌الله؛ محمدی خوشنوی، حمزه. (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابداری مستقل. بررسی‌های حسابداری و حسابر، ۱۵(۴)، ۳۵-۵۲.
۸. رحیمیان، نظام‌الدین؛ جان فدا، رضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابداری بر کیفیت حسابداری. حسابر، نظریه و عمل، ۱۱(۱)، ۶۷-۹۰.
۹. رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). بررسی چسبندگی حق الزحمه حسابداری. بررسی حسابداری و حسابر، ۲۱(۴)، ۴۴۸-۴۳۱.
۱۰. رشیدی، محسن. (۱۴۰۰). بررسی رقابت بازار، چسبندگی حق الزحمه حسابداری و کیفیت حسابر. دانش حسابداری مالی، ۲۸(۲)، ۱۷۳-۱۹۳.
۱۱. صدراپی، غزل السادات؛ محمدرضایی، فخرالدین؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ و فرجی، امید. (۱۴۰۰). تدوین مدل حق الزحمه حسابداری در ایران: شواهد اولیه مبتنی بر روندهای ترتیبی روش ترکیبی. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۱)، ۱۹۱-۲۲۴.
۱۲. صفرزاده، محمدحسین؛ بیگ پناه، بهزاد. (۱۳۹۴). بررسی چسبندگی هزینه‌های حسابداری مستقل در شرکت‌های ایرانی. علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۷(۲۷)، ۷۶-۵۳.
۱۳. غنی زاده، بهرام؛ دستگیر، محسن؛ سروش یار، افسانه. (۱۴۰۰). تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر کیفیت حسابداری با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌کننده توانایی مدیریت. پیشرفت‌های حسابداری. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۱)، ۲۹۹-۳۳۴.
۱۴. فرجی، امید؛ جنتی دریاکناری، فاطمه؛ منصوری، کفسان؛ یونسی مطیع، فاطمه. (۱۳۹۹). مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش شرکت: نقش تعدیلگر مدیریت سود. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۷(۱)، ۲۵-۵۸.
۱۵. محمدرضایی، فخرالدین؛ مهران پور، محمدرضا. (۱۳۹۵). نوع گزارش حسابر و تعداد بندهای حسابداری: اثر رتبه مؤسسات حسابداری معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار. انجمن حسابداری مدیریت ایران، ۱۷(۵)، ۶۵-۷۷.
۱۶. محمدرضایی، فخرالدین؛ یحیایی، منیره. (۱۳۹۵). تجدید ارائه صورت‌های مالی: بررسی اثر رتبه مؤسسات حسابداری معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار. دانش حسابداری، ۱۶(۶۴)، ۱۷۱-۱۸۸.
۱۷. هاشمی دهچی، مجید؛ ایزدی نیا، ناصر؛ حاجیان نژاد، امین. (۱۴۰۰). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی سود با تأکید بر عدم شفافیت گزارشگری مالی و ضعف کنترل‌های داخلی. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۱)، ۳۷۹-۴۱۰.

ب- منابع خارجی:

1. Anderson, M. C., Banker, R. D. & Janakiraman, S. N. (2003). Are selling general and administrative costs "sticky"? Journal of Accounting Research, 41(1): 47-63.
2. Asthana, S. C., and J. P. Boone. (2012). Abnormal audit fee and audit quality. Auditing: A Journal of Practice & Theory, 31(3): 1-22.
3. Bagherpour Velashani, M. A., Monroe, G., & Shailer, G. (2008). Auditor switching in an emerging market for auditor services. In Accounting and Finance Association of Australia and New Zealand Annual Conference.
4. Bagherpour, M. A., et al. (2014). Government and managerial influence on auditor switching under partial privatization. Journal of Accounting and Public Policy, 33(4): 372-390.
5. Beattie, V. and S. Fearnley. (1998). Audit market competition: auditor changes and the impact of tendering. British Accounting Review, 30(3): 261-289.
6. Causholli, M., De Martinis, M., Hay, D. & Knechel, W. R. (2010). Audit Markets, Fees and Production: Towards an Integrated View of Empirical Audit Research. Journal of Accounting Literature, 29: 167-215.

7. Chan, D. (1999). Low-balling and efficiency in a two-period specialization model of auditing competition. *Contemporary Accounting Research*, 16(4): 609-642
8. Chaney, P. K., et al. (2004). Self-selection of auditors and audit pricing in private firms. *The Accounting Review*, 79(1): 51-72.
9. Chang, H., Fang, J., & Mo, P. L. L. (2021). Auditor career concerns, audit fees and audit quality. *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics*.
10. Chang, H., Guo, Y., & Mo, P. L. L. (2019). Market Competition, Audit Fee Stickiness, and Audit Quality: Evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 38(2): 79-99.
11. Coulton, J., G. Livne, A. Pettinicchio, and S. Taylor. (2016). Abnormal Audit Fees and Accounting Quality. Working paper, UNSW Australia, University of Exeter Business School, Bocconi University, and University of Technology, Sydney.
12. De Villiers, C., D. Hay, and Z. Zhang. (2014). Audit fee stickiness. *Managerial Auditing Journal*, 29(1): 2-26.
13. DeAngelo, L. E. (1981, a). Auditor independence, 'low balling', and disclosure regulation. *Journal of accounting and Economics*, 3(2), 113-127.
14. DeAngelo, L. (1981, b). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(2): 113-127.
15. DeFond, M. and J. Zhang. (2014). A Review of Archival Auditing Research. *Journal of accounting and Economics*, 58(2-3): 275-326.
16. Dye, R. A. (1991). Informationally motivated auditor replacement. *Journal of accounting and Economics*, 14(4): 347-374.
17. Ettredge, M. and R. Greenberg. (1990). Determinants of fee cutting on initial audit engagements." *Journal of Accounting Research*: 198-210
18. Ferguson, A., Lennox, C. & Taylor, S., (2005). Audit Fee Rigidities in the Presence of Market Frictions: Evidence and Explanations. Working paper, University of New South Wales Financial Reporting and Accounting, 17(2): 201-22.
19. Flanigan, J. (2002). Anderson's pain will strengthen system. *Los Angeles Times*.
20. Ghosh, A. & Lustgarten, S. (2006). Pricing of initial audit engagements by large and small audit firms. *Contemporary Accounting Research*, 23(2): 333-368
21. Hua, S., et al. (2016). Auditor bargaining power and audit fee lowballing. *Advances in Business Research*, 7(1): 81-89.
22. Huang, H.-W., et al. (2014). Fee discounting and audit quality following audit firm and audit partner changes: Chinese evidence. *The Accounting Review*, 90(4): 1517-1546.
23. Johnstone, K. M., Bedard, J. C., Ettredge, M. L. (2004), The Effect of Competitive Bidding on Engagement Planning and Pricing, *Contemporary Accounting Research*, 21(1): 25-53.
24. Khodakarami, M., Rezaee, Z., & Hesarzadeh, R. (2021). Islamic religious atmosphere and audit pricing: evidence from Iran. *Business Ethics, the Environment & Responsibility*, 30(4), 716-737.
25. Kitiwong, W. and Sarapaivanich, N. (2020), "Consequences of the implementation of expanded audit reports with key audit matters (KAMs) on audit quality", *Managerial Auditing Journal*, 35(8): 1095-1119.
26. Kwon, S. Y., et al. (2014). The effect of mandatory audit firm rotation on audit quality and audit fees: Empirical evidence from the Korean audit market." *Auditing: a journal of practice & theory*, 33(4): 167-196.
27. Lawrence, A., et al. (2011). Can Big 4 versus non-Big 4 differences in audit-quality proxies be attributed to client characteristics? *The Accounting Review*, 86(1): 259-286.
28. Mashayekhi, B. and S. Mashayekh. (2008). Development of accounting in Iran. *The International Journal of Accounting*, 43(1): 66-86.
29. Mayhew, B., Wilkins, M. (2003). The impact of audit firm industry specialization on fees charged to firms going public. *Auditing: A Journal of practice & Theory*, 22(2): 33-52.

30. MohammadRezaei, F. and N. Mohd-Saleh. (2017). Auditor switching and audit fee discounting: the Iranian experience. *Asian Review of Accounting*, 25(3): 335-360.
31. MohammadRezaei, F., et al. (2018). Audit firm ranking, audit quality and audit fees: Examining conflicting price discrimination views. *The International Journal of Accounting*, 53(4): 295-313.
32. Newton, N. j., Persellin, Julie S., Wang, D., & Michael S. W. (2016). Internal control opinion shopping and audit market competition. *The Accounting Review*, 91(2), 603-623.
33. Oxera. (2006). Competition and Choice in the U.K. Audit Market: Prepared for the Department of Trade and Industry and Financial Reporting Council.
34. Palmrose, Z.-V. (1986). Audit fees and auditor size: Further evidence. *Journal of Accounting Research*, 24(1): 97-110.
35. Peel, M. J. (2013). The pricing of initial audit engagements by big 4 and leading mid-tier auditors. *Accounting and Business Research*, 43(6): 636-659.
36. Petersen, M. A. (2009). Estimating standard errors in finance panel data sets: Comparing approaches. *The Review of financial studies*, 22(1), 435-480.
37. Shapiro, C. (1983). Premiums for high quality products as returns to reputations, *Quarterly Journal of Economics*, 98(4): 659-679.
38. Simon, D. T. and J. R. Francis. (1988). The effects of auditor change on audit fees: Tests of price cutting and price recovery. *Accounting Review*: 255-269.
39. Stanley, J. D. (2011). Is the audit fee disclosure a leading indicator of clients' business risk? *Auditing: a journal of practice & theory*, 30(3): 157-179.
40. Turner, L. (2002). Oversight hearing on accounting and investor protection issues raised by enron and other public companies. U.S. senate, Committee on banking, Housing and Urban affairs (February 26)(Washington, D.C.; Government Printing Office).
41. Zarei, H., Yazdifar, H., Dahmarde Ghaleno, M. and azhmaneh, R. (2020), "Predicting auditors' opinions using financial ratios and non-financial metrics: evidence from Iran", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 10(3): 425-446.